



دانشگاه گوارز، دانشکده منابع طبیعی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳
<http://jead.gau.ac.ir>

اهمیت و ضرورت توجه به کارآفرینی در برنامه‌های آموزش کشاورزی

* مهدی علیخانی دادوکلایی^۱ و لادن اصغرنژاد^۲

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری،

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۵

چکیده

قرن بیست و یکم به‌عنوان قرن دانش معرفی شده است. در این عصر، سرمایه اصلی جوامع، دانش، مهارت و نگرش منابع انسانی آن‌ها است. برای این‌که این سرمایه در خدمت سعادت جامعه باشد، به قابلیت‌های کارآفرینی نیاز است. در حال حاضر، توسعه کارآفرینی هسته برنامه‌های توسعه کشورهای است. از این‌رو، سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های کارآفرینی منابع انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. طبیعی است، بارزترین چیزی که می‌تواند کشور ما را به‌این مقصود برساند آموزش است به‌خصوص در زمینه کارآفرینی. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف، خصوصاً کشاورزی، تربیت فارغ‌التحصیلان و افراد خلاق و کارآفرین می‌باشد. در همین راستا مقاله حاضر که به‌صورت مروری تهیه شده است، سعی شده تا اهمیت و ضرورت توجه به کارآفرینی در برنامه‌های آموزش کشاورزی بررسی شود. در مقاله، کارآفرینی در بخش کشاورزی موجب اشتغال، انتقال فناوری، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری و کشف منابع جدید و استفاده اثربخش از آن‌ها، توزیع مناسب درآمد و عدالت اجتماعی، نوآوری و خلاقیت در جامعه و بهبود کیفیت زندگی می‌شود. در این مقاله، با تأکید بر اهمیت کارآفرینی در برنامه‌های آموزش کشاورزی، راهبردهای مناسب به‌منظور بهبود این وضعیت ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش کشاورزی، اشتغال، برنامه کشاورزی، کارآفرینی

* مسئول مکاتبه: Alikhany.mehdi@yahoo.com

مقدمه

نقش آموزش در ارتقاء و بهبود ظرفیت تولیدی افراد و به عبارت دیگر بهبود کیفیت نیروی انسانی و تأثیر اقتصادی آن یعنی افزایش بهره‌وری و تولید از دهه ۱۹۵۰ مورد توجه قرار گرفت و به دنبال آن در دهه ۱۹۶۰، توسط نظریه پردازانی چون بیکر و تئودور شولتز (Becker and Shultz) تحت عنوان نظریه سرمایه انسانی (Human Capital) به طور جدی مطرح گردید. بر اساس این نظریه، از طریق افزایش موجودی سرمایه انسانی، بهره‌وری نیروی کار را می‌توان ارتقاء بخشید. افزایش بهره‌وری نیروی کار نیز در هر یک از بخش‌های اقتصادی کشاورزی، صنعت و خدمات می‌تواند به افزایش بهره‌وری اقتصادی هر یک از آن‌ها کمک نموده و در نهایت منجر به ارتقاء رشد اقتصادی کشور گردد. نیروی انسانی مهم‌ترین عامل مؤثر در توسعه هر کشور به‌شمار می‌رود و جمعیت هر جامعه به منزله ثروت آن جامعه محسوب می‌شود، به طوری که توجه به توسعه کمی نیروی انسانی در سطوح مختلف ارائه خدمات و تربیت دانش‌آموختگان مازاد بر نیاز، علاوه بر اتلاف منابع، اثرات منفی نیز بر سلامت جامعه خواهد گذاشت (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۲). از این رو نیروی انسانی متخصص و ماهر، سرمایه اصلی یک جامعه محسوب می‌شود و برای فعالیت و توسعه اقتصادی یک جامعه به‌کار گرفته می‌شوند (گلکار، ۱۳۸۰). بیشتر اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه فعالیت‌های اقتصادی، خلاقیت، نوآوری و به‌طور خلاصه کارآفرینی و تولید دانش محور را عوامل کلیدی موفقیت و ماندگاری در عرصه بازارهای رقابتی امروزی در سطوح ملی و بین‌المللی می‌دانند (Heizer and Render, 2001). یکی از دغدغه‌هایی که در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته از گذشته دور تاکنون مطرح بوده است، عدم انطباق و سازگاری لازم برون دادهای نظام آموزشی با نیازهای بازار کار می‌باشد. پیامد این عدم انطباق، انحراف شغلی و یا بیکاری فارغ‌التحصیلان و جوانان آموز شدیده است که باعث می‌گردد کارآئی درونی و بیرونی نظام آموزشی مورد تردید قرار گرفته و زیر سؤال برود (شریعت‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵).

کارآفرینی فرآیندی است که نقش حیاتی در تداوم، رشد و توسعه ملی و حتی اقتصادی جهانی ایفا می‌کند. بنابراین لزوم ایجاد بستر و جو مناسب در جهت حمایت‌های منطقی اعم از مادی، معنوی، فرهنگی، تحقیقاتی و علمی از کارآفرینی و کارآفرینان بیش از پیش در کشور ما احساس می‌گردد. اهمیت بحث کارآفرینی به حدی است که اقتصاددانان کارآفرینان را موتور رشد و توسعه اقتصادی جامعه می‌دانند (Schumpeter, 1934) و دانشمندان مدیریت آن‌ها را از مهم‌ترین عوامل تحول و

نوآوری‌های سازمانی در عصر حاضر به‌شمار می‌آورند. بنابراین هر محیطی که افرادش برخوردار از تفکر و هنر کارآفرینی باشند، اقتصادی پویا و متنوع خواهند داشت (Kazemi, 2008).

زمانی عقیده براین بود که گسترش دانشکده‌های کشاورزی و تربیت نیروی تحصیلکرده منجر به توسعه کشاورزی خواهد شد. در این راستا قدم‌های زیادی برای تربیت نیروی انسانی ماهر برداشته شده است که نگاهی اجمالی به تعداد پذیرش دانشجو در رشته‌های کشاورزی از یک سو و ظرفیت پذیرش دانشگاه آزاد در این رشته‌ها از سوی دیگر به روشنی بیانگر توجه جدی و کافی به این مقوله می‌باشد. به طوری که امروزه از نظر تعداد فارغ‌التحصیلان و دانشجویان رشته‌های کشاورزی به نظر می‌رسد کمبودی وجود نداشته باشد. بنابراین، گرچه از نظر تعداد نیروی تحصیلکرده کشاورزی کمبود نداریم، چرا کشاورزی ما آن‌طور که باید، رشد نکرده است؟ واقعیت امر این است که تربیت شدگان آموزش عالی ما در زمینه کشاورزی، فاقد قابلیت‌ها و مهارت‌های عملی و کاربردی لازم هستند، تمایل بسیار شدیدی این فارغ‌التحصیلان به جذب در نهادهای دولتی و رضایت آن‌ها به استخدام در این واحدها، حتی با حقوق و مزایای بسیار ناچیز، نشانه بارز و گویایی بر این واقعیت است. در مقابل، این افراد به کار تولیدی رغبت چندانی از خود نشان نمی‌دهند و اکثراً این گونه کارها را شغلی پرزحمت، کم درآمد و دور از شأن یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی تلقی می‌کنند. در صورتی که انتظار مسئولین و جامعه از فارغ‌التحصیلان کشاورزی این است که علاوه بر اشتغال خود، برای افراد دیگر جامعه نیز کار ایجاد کنند و در توسعه کشاورزی نیز نقش اساسی را ایفا نمایند. با بررسی روند رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، مشخص می‌شود که کارآفرینان در رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی نقش زیادی داشته‌اند. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف به‌ویژه آموزش کشاورزی تربیت افراد خلاق و کارآفرین می‌باشد (بردبار و موسوی، ۱۳۹۰).

روش‌شناسی پژوهش: در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی استفاده شده است. که برای درک بهتر در مورد توجه به کارآفرینی، در این مقاله ابتدا به معرفی منابعی که امروزه منابع اصلی برای فهم مقوله کارآفرینی هستند، می‌پردازیم و سپس به بررسی اهمیت و ضرورت این مقوله در آموزش کشاورزی خواهیم پرداخت. امروزه پژوهش‌گران سعی می‌کنند درباره موضوع کارآفرینی و چگونگی فرآیند آن، اطلاعات بیشتری به دست آورند تا بتوانند از عوامل مداخله‌گر و مهم در این مقوله درک بهتری پیدا کنند (Bull and Willard, 1993; Bygrave and Hofer, 1991; Gartner, 2001). از میان این منابع اطلاعاتی سه منبع در مورد فرآیند کارآفرینی و نیز اهمیت آن اطلاعاتی به دست می‌دهند که از شمار

منابع اصلی هستند. اولین منبع مانند نشریات بر پایه کارهای پژوهشی بنا شده و اطلاعات موجود در آن از طریق پژوهش ارائه می‌شود مثل: نشریات دانشگاهی، کتب درسی در زمینه کارآفرینی، کتاب‌هایی درباره کارآفرینی، زندگی‌نامه‌های کارآفرینان خود نوشت یا دیگر- نوشت، گاهنامه‌های خبری، خبرنامه‌ها، خلاصه مقالات در همایش‌ها و نشست‌ها و نشریه‌های دولتی. اما دومین منبع اصلی در زمینه دانش مطالبی هستند که از مشاهده مستقیم کارآفرینان به دست می‌آیند، یعنی مطالبی که نشان دهنده وضع کنونی کارآفرینان فعال هستند. به کمک مصاحبه‌ها و بررسی اطلاعات موجود و نیز مطالعه موردی می‌توان تجربه‌ها و دانسته‌های فردی کارآفرینان را در اختیار یکدیگر قرار داد. تحلیل این تجربیات می‌تواند به شناسایی بهتر این مقوله کمک کند. آخرین منبع اصلی در زمینه دانش مربوط به کارآفرینی را می‌توان شامل سخنرانی‌ها و نطق‌های فعالان مقوله این علم دانست که در نشست‌ها و همایش‌های گوناگون ایراد می‌کنند. اطلاعات موجود در این منبع، قدرت و کیفیت دو منبع اصلی قبل را ندارد، اما فرصتی را فراهم می‌سازد تا مطالبی در مورد کارآفرینی آموزش داده شود. تمام این منابع زمینه خوبی برای رشد و تکامل آموزش کارآفرینی فراهم می‌کند که از حدود ۲۵ سال پیش تا به امروز ادامه دارد (علی‌میری، ۱۳۸۷).

نتایج و بحث

مفهوم کارآفرین و کارآفرینی: کارآفرین کسی است که فرصت‌ها را کشف و تقاضا را پیش‌بینی می‌کند و خطر ناشی از نوسانات آن را به عهده می‌گیرد. او موجد فرآیند تولید، عامل سازماندهی و مسئول تصمیماتی مانند چه تولید شود؟ چقدر تولید شود؟ و با چه روشی تولید شود؟ است (صمدآقایی، ۱۳۷۸). کارآفرینان کسانی هستند که توانایی دیدن و ارزشیابی فرصت‌های کسب و کار، جمع‌آوری منابع لازم برای گرفتن سود از آنها، و شروع فعالیت مناسب برای کسب موفقیت را دارا می‌باشند. (Henry et al., 2003). هنری و همکاران به نقل از لاو و مک‌میلان (۱۹۸۸) کارآفرینی را ایجاد کاری مهم و جدید تلقی می‌کنند که البته ممکن است در تعدادی از زمینه‌ها صورت گیرد. برحسب یادآوری هنری و همکاران به نقل از پلاتو و بیگریو (۱۹۸۹) کارآفرینی را به‌عنوان یک جریان توصیف می‌کند تا یک حالت بودن. کانتیلون، کارآفرین را فردی خوداشتغال می‌داند که از قدرت پیش‌بینی اقتصادی خوبی برخوردار بوده، تمایل به ریسک داشته و از این طریق سود یا ضرر می‌کند و در نتیجه به تعادل و پایداری اقتصاد بازار کمک می‌کند. این تعریف نشان می‌دهد که نقطه تمرکز کانتیلون در بحث کارآفرینی شخص کارآفرین بوده و برای او عملکرد اقتصادی کارآفرین از ویژگی و

رفتارش اهمیت بیشتری دارد. شاید رایج‌ترین تعریف کارآفرین این باشد: کسی که خودش کسب و کاری را آغاز می‌کند. یعنی خلق یک کار مهم، که به این فرض منتهی می‌گردد که کارآفرینی هنری برای شروع یک کسب و کار شخصی است، هر آموزش و پرورشی درباره آن فرد را با مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام آن کار آماده خواهد کرد (Henry et al., 2003). ژوزف شومپتر (۱۹۳۴) کارآفرینی را فرایند "تخریب خلاق" می‌داند. از دیدگاه نامبرده هریک از فعالیت‌های زیر کارآفرینی محسوب می‌گردد: الف- ارائه کالا یا خدمتی جدید، ب- ارائه روشی جدید در فرایند انجام کار و تولید، ج- گشایش و دسترسی به بازاری تازه، د- یافتن منابعی جدید جهت انجام کسب و کار و تولید و ه- ایجاد هرگونه تشکیلات جدید.

مفهوم کارآفرینی در بخش کشاورزی: تعاریف و مفاهیم کارآفرینی در بخش‌های مختلف (کشاورزی، صنعت و خدمات) از نظر اصول و بنیاد یکی هستند. اگرچه کارآفرینی در کشاورزی در اصل و ماهیت خود تفاوتی با کارآفرینی در نواحی شهری و یا سایر بخش‌های اقتصادی ندارد، اما در واقع درون‌دادهای موردنیاز جهت توسعه کارآفرینی نظیر سرمایه، مدیریت، آموزش، تکنولوژی، مؤسسات و نهادها، زیرساخت‌های حمل و نقل، دسترسی به بازار، شبکه توزیع و نیروی کار ماهر در شهرها و مناطق صنعتی و سایر بخش‌های اقتصادی راحت‌تر از مناطق روستایی و کشاورزی یافت می‌گردد. کارآفرینی کشاورزی حالت مختص‌الشرایط، مختص‌المزرعه و مختص‌المحصول دارد. شکاف وسیع‌تر میان مناطق روستایی و شهری در کشورهای در حال توسعه و چیرگی صنعت بر کشاورزی و گرایش استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه به سمت صنعت، همراه با ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی جامعه روستایی و کشاورزی باعث شده است تا کارآفرینی کشاورزی کمتر رشد داشته باشد. در کشورهای در حال توسعه، کشاورز ضعیف‌ترین مأمور تولید در کشور است. او فاقد توانمندی‌های حرفه‌ای و حمایت‌های لازم از طرف دولت و سازمان‌های محلی و ملی است تا در نقش یک کارآفرین پویا عمل کند. با وجودی که زمین یک منبع غنی در این کشورها بوده و دارای پتانسیل‌های مناسبی جهت کارآفرینی می‌باشد، اما هنوز هم کشاورزان فقیر و ضعیف هستند (یعقوبی، ۱۳۸۲).

تغییرات صورت گرفته در بازار (جهانی شدن، رشد جمعیت، دگرگونی در بازار کار کشاورزی، امنیت غذایی، رقابتی شدن بازار)، سیاست‌های کشاورزی (حرکت به سوی کشاورزی تجاری مبتنی بر بازار) و خود جامعه (افزایش بیکاری و کم‌کاری، مباحث زیست‌محیطی، تنوع زیستی، منابع طبیعی) از عواملی هستند که ضرورت کارآفرینی در کشاورزی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. به‌خاطر تحولات

فوق، یک دگرگونی ساختاری در شیوه‌های کنونی تولید کشاورزی لازم بوده و کشاورزی مبتنی بر بازار در چهارچوب توسعه پایدار، استراتژی اساسی توسعه کشاورزی خواهد بود. در این نوع کشاورزی، کشاورز بایستی به نحوی تولید کند که بتواند تولیدات خود را در بازار رقابتی که مبتنی بر خواسته‌های مشتری است، به فروش برساند. به این منظور کشاورز بایستی فرصت‌شناس بوده و نیازهای مشتری را به درستی شناسایی نماید و سپس استراتژی لازم در جهت برآوردن این نیازها طراحی و اجرا نماید. به عبارتی دیگر کشاورز امروز بایستی یک کارآفرین باشد (حسینی، ۱۳۸۴).

آموزش کشاورزی (برنامه و اهداف آموزش کشاورزی): قبل از هر چیزی باید به این توجه داشت که با یک نظام آموزشی با نام آموزش کشاورزی رو به رو خواهیم بود که دربرگیرنده اجزائی می‌باشد و این اجزا وارد یک نظام آموزش شده و با تأثیراتی که این اجزا یا عوامل بر هم می‌گذارند، آنچه که هدف نظام آموزشی بوده، از نظام آموزش خارج خواهد شد. هر کشوری اهداف گوناگونی را در ایجاد و اداره مراکز آموزش کشاورزی دنبال می‌کند، هدف برخی از نظام‌های آموزشی تربیت متخصص امور مزرعه برای فعالیت‌های کشاورزی است تا افراد متخصص و ماهر را برای کار و فعالیت در مزرعه و روستا آماده کند، بعضی دیگر، تربیت افراد را به منظور استخدام در بخش خدمات دولتی در کشاورزی هدف قرار می‌دهند و برخی نیز افراد را جهت ورود به آموزش عالی آماده می‌سازند. به هر حال آموزش کشاورزی چون هر آموزشی دارای اهداف و اصول خاص خود می‌باشد و تعیین مسیر، برنامه‌ریزی، ایجاد تغییر و ... باید مبتنی بر اصول و اهداف بوده و این اهداف و اصول باید از قبل روشن و مشخص و برنامه‌ریزی شده باشند (مقیمی و همکاران، ۱۳۸۱). کلمه برنامه برای همه افرادی که به کاری می‌پردازند آشنا و به معنای آگاهانه کار کردن و دانستن روند فعالیت‌ها است. برنامه طرح روشنی است از مراحل انجام فعالیت‌هایی که با اولویتی ویژه برای حصول به هدفی معین تکوین شده و شامل مبدأ، مقصد و کلیه مراحل فی مابین است. اهمیت هدف‌ها نیز یکی از عواملی است که کیفیت و لزوم طرح چنین برنامه‌ای را پدید می‌آورد (ملک‌محمدی، ۱۳۸۶).

هدف آموزش کشاورزی تربیت افرادی فرهیخته، دانشمند، متخصص و دلسوز می‌باشد که بتوانند: از اتلاف منابع جلوگیری کنند (مدیریت بهره‌وری)، کالای با کیفیت‌تری تولید کنند (مدیریت کیفیت)، با سرعت بیشتری تولید کنند (مدیریت زمان)، از اتلاف وقت جلوگیری کنند (مدیریت زمان)، برخورد بهتر و صحیح‌تری با موانع و محدودیت‌ها داشته باشند (مدیریت راهبردی)، به دنبال کشف و بهره‌برداری از منابع جدید باشند (خلاقیت و نوآوری)، دارای قوه پیش‌بینی بوده و بیشتر سرمایه‌گذاری

کند (آینده نگری و برنامه‌ریزی)، بهره‌برداری صحیح را فرا گرفته باشند (مدیریت بهره‌وری)، و از این طریق بتوانند نقش عمده‌ای را در توسعه کشاورزی ایفا کنند (آقاسی‌زاده، ۱۳۷۵).

آموزش کارآفرینی: اصولاً بحث بر سر آموزش کارآفرینی بیشتر حول محور پرورش منابع انسانی کارآمد می‌گردد که در اقتصاد دانش محور، جزء منابع تعیین کننده توسعه محسوب می‌شود. این مطلب می‌تواند مورد تأکید کشورهای در حال توسعه نیز باشد و دغدغه عدالت اجتماعی و نیاز صنایع را که کشورهای در حال توسعه با آن درگیر هستند، مرتفع سازد. بهتر است که کارآفرینان به مسائل زیر بیشتر توجه کنند: چگونگی شناسایی فرصت‌ها، کسب منابع و مدیریت آن برای بهره‌برداری از فرصت‌ها، به کاربردن خلاقیت و رسیدن به راه حل‌های مفید، انجام ریسک‌های حساب شده و شریک شدن در پیامدها و پاداش‌ها (Michael et al., 2005).

آموزش کارآفرینی در آموزش کشاورزی ایران: اکنون در هنرستان‌های کشاورزی به‌عنوان بخشی از آموزش‌های عمومی و پیش دانشگاهی، آموزش کارآفرینی در حد ارائه یک درس با عنوان "کارآفرینی" به ارزش دو واحد برای برخی از گرایش‌های کشاورزی که در گروه رشته کاردانش قرار می‌گیرند و گاهی برگزاری سخنرانی‌ها و کارگاه‌های آموزشی بوده و در سطح مؤسسات آموزش عالی کشاورزی، این نوع آموزش با ارائه یک درس ۳ واحدی اختیاری با عنوان "کارآفرینی"، دوره‌های پیش رشد و سخنرانی‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی و ... می‌باشد (بردبار و موسوی، ۱۳۹۰).

اهمیت و ضرورت کارآفرینی: با تحولات عظیمی که در تکنولوژی‌های نوین رخ داده است، جامعه عصر صنعتی به تدریج جای خود را به جامعه‌ای داد که بر پایه دانش و اطلاعات استوار شده است. کارآفرینان در اجتماع سبب پویایی و افزایش بهره‌وری شده و در سطح اجتماع ارزش کار را افزایش می‌دهند و روحیه سعی و تلاش در بدنه جامعه را بالا می‌برند. کارآفرینان سبب تشویق جامعه به کارهای خلاق می‌شوند و همین امر موجب رشد و بالندگی در اجتماع می‌شود. زمانی که کارآفرینی به‌عنوان یک شیوه زندگی توسط اکثریت افراد یک جامعه خصوصاً کشاورزان پذیرفته شود آن جامعه بسیار سریع رشد و توسعه می‌یابد. زیرا کارآفرینی سبب:

- **اشتغال:** زمانی که کارآفرینان یک شغل جدید را شروع می‌کنند بالطبع حداقل به یک یا چند نیروی استخدامی نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند. کارآفرینان به‌علت قابلیت اشتغال‌زایی که دارند، به کاهش نرخ بیکاری که از اهداف کلان اقتصادی، اجتماعی، دولت‌ها است کمک می‌کنند. بنابراین،

کارآفرینی می‌تواند زمینه‌ساز اشتغال نیروی کار باشد و نوآوری که در یک فعالیت اقتصادی (همچون کشاورزی) توسط خود فرد ایجاد می‌شود منجر به ایجاد اشتغال در جامعه می‌شود. بر اساس آخرین نظرسنجی که تحت عنوان فرهنگ کار و نگاه ایرانیان در آن انجام شده است فقط ۴۲ درصد از جمعیت ایران خواهان شغل‌های ثابت اداری و یا در چارچوب شغل‌های وظیفه‌گرایی هستند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۰ بیش از ۶۲ درصد از جمعیت دنیا اظهار داشتند که می‌خواهند دارای شغل مستقل (فعالیت خوداشتغالی) باشند، ۳۴ درصد از کل جمعیت بالا آماده پذیرش ریسک به‌منظور دستیابی به رضایت شغلی متکی بر فعالیت‌های فردی تأکید داشتند. امروزه روحیه کارآفرینی به‌شدت در میان جمعیت جوان ایران در حال گسترش است. از طرفی با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی کشور در حال حاضر، توجه به کارآفرینی بیش از پیش دارای اهمیت شده است. با عنایت به اعمال سیاست کاهش تصدی‌گری دولت و همچنین محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، سوق‌دهی جوانان و زنان جویای کار به سمت مشاغل کارآفرینی و خوداشتغالی در بخش کشاورزی ضرورت می‌یابد. مملکتی که یکی از آغاز کنندگان تمدن بشری بوده احتیاج به جوانانی دارد که کانون‌های تولید و اشتغال را در جامعه تشکیل دهند (رضوی، ۱۳۸۴). پدیده خوداشتغالی از جهات متعددی دارای اهمیت است. در متون ادبیات پژوهشی کارآفرینی از علل محیطی گرایش و همت افراد به کارآفرینی به مواردی همچون بیکار شدن و یا عدم تکافوی درآمد نیز اشاره شده است. در دوره‌های رکود و بحران اقتصادی که بسیاری از کسب و کارهای بزرگ ناگزیر از کاهش نیروی کار می‌باشند، خوداشتغالی در قسمت کشاورزی می‌تواند در تأمین بخشی از نیازهای معیشتی نیروی کار مؤثر باشد و از عوارض اجتماعی دوره رکود بکاهد (حاجی‌قربانی، ۱۳۸۹). کار آفرینی منجر به ایجاد اشتغال در مقیاس وسیع می‌شود. بنابراین کارآفرینی مشکلات بیکاری را که ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی-اجتماعی است، کاهش می‌دهد (حسینی و خسروی‌پور، ۱۳۸۸).

• **انتقال فناوری:** شکاف فناوری، بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد و این شکاف زمانی کمتر می‌شود که جریان فناوری از سوی کشورهای توسعه یافته به در حال توسعه سرازیر شود. فناوری‌ها به‌وسیله پژوهش‌گران تولید و انتقال آن به طرق مختلف صورت می‌گیرد، که کارآفرینان به انتقال سریع‌تر این فناوری‌ها به جامعه خویش کمک می‌کنند (اسدی، ۱۳۸۸؛ حسینی و خسروی‌پور، ۱۳۸۸).

• **ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری و کشف منابع جدید و استفاده اثربخش از آنها:** کارآفرینی موجب می‌شود که منابع، سرمایه‌ها، پس اندازهای عمومی و مهارت‌ها بی‌را که ممکن است بی‌استفاده و سرگردان باقی‌مانده باشند به‌طور مؤثر به‌تحرک وادارد (رضوی، ۱۳۸۴؛ حسینی و خسروی‌پور، ۱۳۸۸).

• **توزیع مناسب درآمد و عدالت اجتماعی:** در طول تاریخ، تبعیض باعث فقر بخش‌هایی از جوامع شده است. برای جبران این عقب‌ماندگی راهبرد توسعه کارآفرینی ابزار خوبی است. توسعه کارآفرینی به توزیع مناسب درآمدها در جوامع کمک می‌کند و نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد (رضوی، ۱۳۸۴؛ حسینی و خسروی‌پور، ۱۳۸۸؛ حاجی‌قربانی، ۱۳۸۹).

• **نوآوری و خلاقیت در جامعه و بهبود کیفیت زندگی:** کارآفرینی کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد. کارآفرینان، پیوسته در حال ابداع و توسعه کالاها و خدمات جدیدند. این‌گونه تلاش‌های بدیع، موجب تولید تکنولوژی و ماشین‌آلات بهتر و سیستم‌های تولید مؤثرتر می‌شود و از این طریق، محصولات و خدمات ارتقاء می‌یابد و کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و زندگی را راحت‌تر و ساده‌تر می‌کند. (حسینی و خسروی‌پور، ۱۳۸۸).

علاوه‌بر موارد یاد شده، می‌توان کارآفرینی را: عامل تحریک و تشویق حس رقابت، عامل تحریک، ترکیب و مهیا کردن عوامل تولید، عامل یکپارچگی و ارتباط بازارها، عامل رفع خلل، شکاف‌ها و تنگناهای بازار و اجتماع، یکی از عوامل تولید، عامل کاهش بوروکراسی اداری (کاهش پشت‌میزنشینی و مشوق عمل‌گرایی و...)، عامل تحول و تجدید حیات ملی و محلی (کارآفرینی فراتر از شغل و حرفه است، یک شیوه زندگی است)، عامل شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید، عامل نوآوری و روان‌کننده تغییر و عامل تعادل در اقتصاد پویا تلقی کرد. (حسینی و خسروی‌پور، ۱۳۸۸).

موانع آموزش کارآفرینی: بررسی نحوه شروع آموزش کشاورزی در ایران مشخص می‌شود که سیستم فعلی آموزش از خارج وارد شده و در واقع آموزش کشاورزی با ساختار موجود فعلی از غرب وارد کشور شده است و بنابراین رابطه مناسبی بین محیط واقعی روستاها و بخش کشاورزی کشور با آموزش وجود ندارد. این موضوع یکی از موانع اصلی در نزدیک نمودن محتوا و ماهیت آموزش به شرایط واقعی محیط روستا و کشاورزی را موجب شده است (حسینی، ۱۳۸۴). مانع عمده دیگری که در مقابل افزایش کارایی آموزش قرار دارد فاصله جغرافیای ایجاد شده بین محیط آموزشی و محیط

واقعی کشاورزی می‌باشد که خود به خود منجر به ایجاد موانع دیگری در زمینه ارتباط دانشجویان و در نتیجه فارغ‌التحصیلان کشاورزی با کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی می‌گردد. کارآفرینی ارتباط مستقیمی با خلاقیت و نوآوری دارد. بنابراین یکی از لازمه‌های تقویت کارآفرینی در میان دانشجویان، ایجاد محیطی مشوق ابتکار و خلاقیت دانشجویان می‌باشد که لازمه ایجاد چنین محیطی فراگیر، محور بودن دانشگاه‌ها و محیط‌های آموزشی می‌باشد. توجه به واقعیت‌های موجود در دانشگاه‌ها و از جمله دانشکده‌های کشاورزی گویای این واقعیت است که دانشگاه‌ها بیشتر محتوا محور و در برخی موارد آموزشگر محور می‌باشند (نصیری، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین عامل توسعه در هر جامعه‌ای، عامل انسانی می‌باشد و برای نیل به توسعه پایدار و متوازن، تربیت نیروی متخصص و کارآمد و موردنیاز بخش‌های مختلف جامعه در نهادهای آموزشی به‌عنوان یک اصل اساسی و ضروری مطرح است. کشاورزی نیز از بخش‌های مهم تولیدی و اقتصادی در برنامه‌های توسعه به‌شمار می‌آید که از نقش و اهمیت شایان توجهی برخوردار است. نیاز روز افزون به مواد غذایی و محدود شدن امکانات تولید، ضرورت توسعه کشاورزی و به‌کارگیری فناوری‌های جدید و مؤثرتر را ایجاد می‌کند و این موضوع با کسب دانش و بهبود و تقویت مهارت‌ها و توانمندی‌های منابع انسانی این بخش امکان‌پذیر خواهد بود. همچنین توجه به مفاهیم جدیدی از جمله "کارآفرینی" در دنیای امروز سبب گردیده است که بسیاری از کشورها گام‌های مؤثری در جهت حداکثر بهره‌برداری از امکانات مادی و انسانی موجود، برداشته و اقتصاد خود را متحول نمایند. کارآفرینی به معنای فرایند ارائه اندیشه‌های نو و بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های موجود، مفهومی است که ارزش افزوده بسیاری را به‌همراه دارد. با توجه به نقش بخش کشاورزی در اقتصاد کشور، لزوم توجه به این بخش و ارائه آموزش‌هایی که منجر به کارآفرینی در میان مخاطبان گردد و جامعه را به سمت استفاده بهینه از مجموع امکانات تولید سوق دهد، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

پیشنهادات

باید وضعیت نیروی انسانی و توانمندی‌های فعلی و نارسایی‌های فعلی بخش کشاورزی را از بعد کارآفرینی شناسایی نمود. در این رابطه داشتن دید نظام‌مند ضرورت دارد تا تعادل و پایداری سیستم

کشاورزی و تعامل آن با سایر سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه به هم نخورد. بایستی راهکارهای مناسبی را برای این کار در برنامه‌های کشاورزی گنجانند:

الف- سیاست‌های دولت

اولویت بخشی به کشاورزی در برنامه‌ریزی‌های توسعه

ب- سیاست‌های بخش کشاورزی

اولویت بخشی به آموزش در برنامه‌ریزی کشاورزی

ج- سیاست‌های بخش آموزش کشاورزی

اولویت بخشی به کارآفرینی در برنامه‌ریزی آموزش کشاورزی، آموزش مهارت‌های کسب و کار، توسعه و تقویت خصوصیات و مهارت‌های کارآفرینانه، برنامه‌های کوتاه‌مدت آموزش کارآفرینی برای گروه‌های مختلف کشاورزان، تدوین دوره‌های آموزشی بلندمدت کارآفرینی در چارچوب دوره‌های تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌ها برای گروه کشاورزی، وارد کردن مضامین کارآفرینی در کتاب‌های درسی می‌تواند بذر ایجاد انگیزه کارآفرینی را در کودکان بارور کند.

د- شرایط اقتصادی- اجتماعی

تنظیم برنامه‌های مشاوره‌ای درباره کارآفرینی، ایجاد و توسعه شبکه‌های کارآفرینی، نظام و شبکه اطلاعاتی کارآفرینی، پژوهش و توسعه، ایجاد وام‌ها و مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات و امکانات فیزیکی، به‌کارگیری و توجه به الگوهای موفق (کشاورزان کارآفرین)، ترویج فرهنگ کارآفرینی و معرفی کارآفرینان نمونه از طریق مطبوعات و قدردانی از آنها، گسترش فرهنگ کارآفرینی در بخش دولتی و تعاونی، ارائه استراتژی‌هایی جهت راه‌اندازی یک کسب و کار جدید وابسته به کشاورزی (پاپ‌زن، ۱۳۸۲).

منابع

۱. آقاسی زاده، ف. ۱۳۷۵. نارسایی‌های آموزش کشاورزی در ایران. ماهنامه جهاد، ۱۶: ۲۹-۳۴.
۲. اسدی، ع. ۱۳۸۸. درآمدی بر رویکرد سیستمیک در ترویج و توسعه کشاورزی. انتشارات جهاد دانشگاهی. تهران.
۳. بردبار، ب.، موسوی، ن. ۱۳۹۰. به‌کارگیری کارآفرینی در کشاورزی: موانع و راهکارهای پیشرو. کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون، جهاد اقتصادی، ۳۲-۴۰.
۴. پاپزن، ع. ۱۳۸۲. کدامین استراتژی برای حل مشکل بیکاری در ایران: توسعه سخت‌افزار و یا نرم‌افزار. تهران: دومین کنفرانس اشتغال و توسعه، ۷۶-۸۴.
۵. حاجی قربانی، م. ۱۳۸۹. راهکارهای توسعه کارآفرینی در ایران با توجه به تجربیات دیگر کشورها. وزارت تعاون، معاونت پژوهش، کارآفرینی و تعاون، دفتر توسعه کارآفرینی و اشتغال، ۴۳-۵۸.
۶. حسینی، م. ۱۳۸۴. آموزش کشاورزی کارآفرینانه. جزوه درسی دوره دکتری آموزش کشاورزی. دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. تهران.
۷. حسینی، م.، خسروی‌پور، ب. ۱۳۸۸. کارآفرینی: سیر تحول مفاهیم و دیدگاه‌ها و نقش و اهمیت آموزش در کارآفرینی. مجموعه مقالات آموزش کشاورزی، ۲۸۷-۲۹۸.
۸. رحمانی، ع.، نوری، م.، صومی، م. ۱۳۸۲. خروج از بحران بیکاری فارغ‌التحصیلان گروه پزشکی با ایجاد فرصت‌های جدید شغلی. مجموعه مقالات برگزیده و خلاصه مقالات پذیرفته شده اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. تهران: وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۵۶-۱۷۹.
۹. رضوی نعمت‌اللهی، ا. ۱۳۸۴. روزنامه همشهری، سه‌شنبه ۳۰ فروردین، سال سیزدهم، شماره ۳۶۷۷، صفحه ۱۰.
۱۰. شریعت‌زاده، م.، چیدری، م.، ملک‌محمدی، ا.، نوروزی، ا. ۱۳۸۵. نظرات کارشناسان آموزش کشاورزی پیرامون اهداف، برنامه‌ها و فرآیند جذب فراگیران نظام آموزش متوسطه کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۲(۱): ۴۵-۴۹.
۱۱. صمدآقایی، ج. ۱۳۷۸. سازمان‌های کارآفرین. مرکز آموزش مدیریت دولتی. تهران.
۱۲. علی‌میری، م. ۱۳۸۷. آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها. توسعه کارآفرینی، ۲(۱): ۱۳۳-۱۵۹.

۱۳. گلکار، ب. ۱۳۸۰. محاسبه نیروی انسانی متخصص تا سال ۱۳۸۸ با استفاده از روش داده-ستانده. طرح پژوهشی شماره ۱۱ از طرح نیاز سنجش نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۷-۱۵.
۱۴. مقیمی، م.، احمدپور داریانی، م. ۱۳۸۱. طراحی دوره‌های آموزش کارآفرینی برای کارآفرینان صنایع کوچک و متوسط که در مرحله بهره‌برداری قرار دارند. مجله بازاریابی، ۲۲(۲): ۳۷-۳۸.
۱۵. ملک‌محمدی، ا. ۱۳۸۶. ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی. جلد ۲. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.
۱۶. نصیری قیداری، ح. ۱۳۸۱. بسترسازی کارآفرینی همت همگانی می‌طلبد. مجله بازاریابی، ۲۲(۲): ۷-۱۱.
۱۷. یعقوبی، ج. ۱۳۸۲. کارآفرینی در کشاورزی. ماهنامه الکترونیکی ترویج و توسعه روستایی، ۲: ۲۰-۲۵.
18. Bull, I., Willard, G.E. 1993. Towards a theory of entrepreneurship. *Business Venturing*, 8: 183-196.
19. Bygrave, W.D., Hofer, C.W. 1991. Theorizing about entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 16(2): 13-22.
20. Gartner, W.B. 2001. Is there an elephant in entrepreneurship? Blind assumptions in theory development. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 25(4): 27-39.
21. Henry, C., Frances H., Claire, L. 2003. *Entrepreneurship education and training*. London: Ashgate.
22. Heizer, J., Render, B. 2001. *Principles of Operations Management (4th ed)*. New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
23. Kazemi, M. 2008. Assessing entrepreneurship by industrial managers, casual study: Khorasan Province. *Science and development Magazine*, 6: 48-58.
24. Michael, D., Ensleya, K., Hmieleskib, M. 2005. A comparative study of new venture top management team composition, dynamics and performance between university-based and independent start-ups, a Rensselaer Polytechnic Institute, Lally School of Management and Technology, USA, Texas Christian University.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 1 (2), 2014

<http://jead.gau.ac.ir>

Importance and Necessity Entrepreneurship in Agricultural Education Programs

***M. Alikhani Dadoukolaei¹ and L. Asgharnezhad²**

¹M.Sc. Graduated, Dept. of Agricultural Extension and Education, Sari Branch, Islamic Azad University, ²M.Sc. Graduated, Dept. of Range Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

Received: 14/01/2014 ; Accepted: 26/07/2014

Abstract

Twenty-first centuries is introduced as the century of knowledge. In this century, main capital of societies is knowledge, skills and attitudes of its human resources. For this capital be in community welfare service, entrepreneurial abilities is required. Currently, development of entrepreneurship is the core of programs developed countries. Hence, investment in in entrepreneurial capabilities of human resources has a special place. Naturally, the most obvious thing that can bring us to this goal is education especially in the field of entrepreneurship. One of the main functions of education levels, especially in agriculture, is education of graduates and creative people and entrepreneurs. According to the present paper has been prepared as an overview, importance and necessity entrepreneurship investigate in agricultural education programs. In this paper, entrepreneurship in the field of agriculture led to employment, technology transfer, encouraging investment and explore of new resources and effective use of their, appropriate distribution of income and social justice, innovation and creativity in the community and improve the quality of life. In this paper, appropriate strategies present to improve this situation with emphasis on the importance of entrepreneurship in agricultural training programs.

Keywords: Agriculture education, Employment, Agricultural programs, Entrepreneurship

*Corresponding Author: Alikhany.mehdi@yahoo.com